

دوستان و رفقای گرامی،

روز جمعه 14 جولای، جلسه ای در لندن از طرف انجمن سخن که وابسته به توده ایها و "اکثریتها" میباشد، برگزار شد. سخنران این جلسه، اکبر گنجی بود که این روزها در خارج از کشور، بمنظور اشاعه و تبلیغ نظریات ارتجاعی و سازشکارانه خود و پیشبرد مقاصد سیاسی بخش اصلاح طلب رژیم در حال سیر و گردش، میباشد. اکبر گنجی پاسدار سابق، طی سالها در جمهوری اسلامی، مشاغل مهمی بعهده داشته و در سرکوب مبارزات توده های بیخاسته فعالانه، شرکت داشته است. در حال حاضر، که رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی با بحرانهای لاینحلی مواجه میباشد و مبارزات کارگران و توده های زحمتکش علیه این رژیم آدمکش، در حال اوج و اعتلا میباشد، اکبر گنجی بمنابۀ مهره ای از این رژیم و به نمایندگی از بخش اصلاح طلبان بمنظور استحاله جمهوری اسلامی و ابقای سلطه این رژیم قرون وسطائی، سخت در تکاپو میباشد. گنجی در اظهارات اخیر خود، بار دیگر مخالفت خود را با انقلاب توده ها و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی اعلام داشته و از مردم میخواهد جنایتکاران و آدمکشان جمهوری اسلامی را که دستشان تا مرفق بخون مبارزین آلوده است، ببخشند. اکبر گنجی، راه مبارزه مسالمت آمیز و حرکتهای مدنی و فرهنگی را تبلیغ کرده و هدف ترمیم و اصلاح رژیم کشتار و شکنجه را دنبال میکند.

رفقای ما، در همراهی با دیگر مبارزین، روز 14 جولای در محل سخنرانی گنجی حضور بهم رسانده و با پخش اعلامیه در افشای ماهیت اکبر گنجی و کیفیت ارتجاعی فعالیتهای وی در خارج از کشور و بحث و سخنرانی در بیرون از جلسه، به روشنگری، پرداختند. این افشاگریها مورد توجه تعداد زیادی از ایرانیان، قرار گرفت. در ضمن، در داخل سالن سخنرانی، تعداد قابل ملاحظه ای از شرکت کنندگان در جلسه، با طرح سئوالاتی که اغلب بی جواب می ماند، در زمینه ماهیت جنایت کارانه رژیم جمهوری اسلامی، و سوابق اکبر گنجی، افشاگری میکردند. اطلاعات ما را در زیر میخوانید.

دمکراسی انقلابی علیه دمکراسی رنگ پریده استحاله گران

اصلاح طلبان، استحاله گران، دشمنان امر رهائی کارگران و زحمتکشان، دشمنان انقلاب و تحولات انقلابی، این بار برای پیشبرد مقاصد ضد انقلابی خود، اکبر گنجی، از سردمداران گذشته رژیم جمهوری اسلامی را، وارد معرکه کرده اند. در شرایطی که جنبشهای دمکراتیک و ضد رژیم توده های محروم و بیخاسته در سر تا سر کشور، در حال اوجگیری و اعتلاست، در اوضاع و احوالی که کارگران ایران که ببرکت وجود رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در نهایت فقر و مسکنت زندگی میکنند، با اعتصابها و اعتراضات گسترده خود، رژیم کشتار و جنایت را بستوه آورده اند، در حالیکه خیزشهای دمکراتیک خلقهای تحت ستم ملی هر روز شدت و حدت بیشتری پیدا میکند، اصلاح طلبان استحاله گر، از قماش گنجی و سازگارا سخت به تکاپو افتاده اند تا در معیت تمام نیروهای سیاسی سازشکار و ضدانقلابی و در تبنانی با قدرتهای سلطه گر امپریالیستی، جنبش پر خروش توده ها را از حرکت باز داشته و سلطه استبداد و سرمایه را همچنان پا بر جا، نگهدارند. گنجی در مانیفستها و "مکاشفات" عدیده خود، مخالفت همیشگی خود را با حرکتهای انقلابی توده ها و راه حل انقلابی برخورد با رژیم جنایتکار اسلامی اعلام داشته و از کارگران و توده های تحت ستم ایران میخواهد از طریق حرکتهای آرام مدنی و اعتراضات فرهنگی، در راه استقرار دمکراسی در ایران - دمکراسی مطلوب آزادی کشان و استعمارگران - فعالیت کنند. در ضمن اظهارات خود، گنجی که خود در ادوار گذشته در جنایات و تبه کاریهای رژیم ضد مردمی، مستقیماً دست داشته است، از مردم بیخاسته و خشمگین ایران، از کارگران، زحمتکشان، زنان و خلقهای تحت ستم ملی میخواهد جنایات و وحشیگریهای رژیم را ببخشند، اما فراموش نکنند. زهی خیال باطل!

اکبر گنجی تا آنجا پیش میرود که اظهار میدارد اگر تبه کاران وزارت اطلاعات رژیم نیز، دست از اعمال ننگین خود بردارند و بمردم به پیوندند، مردم باید این آدمکشان حرفه ای را بخشیده و با آنها دست دوستی و مودت بدهند. با این ترتیب اگر خامنه ای ها، رفسنجانیها و احمدی نژادها نیز از گذشته خود ببرند، در پیش مردم، جا خواهند داشت. آشکارتر از این نمیتوان بدفاع از جنایات و تبه کاریهای بدترین دشمنان آزادی و دمکراسی برخاست. تردیدی نیست که اکبر گنجی، با تمام حرافی هایش در زمینه دمکراسی و حقوق بشر، هدفی جز استحاله رژیم و حفظ سلطه استبداد و سرمایه، دنبال نمیکند. وقتی گنجی از توده ها میخواهد ببخشند اما فراموش نکنند، منظورش بخشیدن جنایات و تبه کاریهای تمام وحشی صفتانی است که در طول 28 سال گذشته، دست پلید خود را بخون هزاران تن از مبارزین و آزادیخواهان آغشته کرده اند. توده های تحت ستم چگونه میتوانند این جنایتکاران حرفه ای را ببخشند؟ آقای گنجی! کارگران و زحمتکشان ایران، مردم بیخاسته و مبارز، نیروهای انقلابی، زنان ستمدیده، خلقهای تحت ستم ملی، هرگز این دشمنان بی امان امر آزادی و دمکراسی را نه خواهند بخشید و نه جنایات و وحشیگریهای آنها را فراموش خواهند کرد.

گنجی با برجسته کردن سه زندانی سیاسی و طرح این نظریه دروغین که در ایران تنها 50 زندانی سیاسی وجود دارد، بکمک رژیم کشتار و جنایت برخاسته و آشکارا نقض حقوق بشر در ایران تحت ستم کنونی را انکار میکند. گنجی در مانیفست های خود، از صدها بلکه هزاران زندانی سیاسی خلق آذربایجان که بدنبال تظاهرات وسیع میلیونی مردم بستوه آمده آن دیار در روزهای نخستین خردادماه، در زنداتها و سیاه چالها در معرض بدترین شکنجه ها قرار دارند، حرفی بمیان نمیآورد. گنجی فراموش میکند که هم اکنون بیش از صد تن از مبارزین خلق عرب ایران، در زندانهای رژیم بسر برده و برای 27 تن از آنها حکم اعدام، صادر شده است. گنجی از اعدام بیرحمانه گروههای کثیری از مبارزین خلق بلوچ، سخنی بمیان نمیآورد. گنجی از زندانیهای سیاسی بیشمار حرکتیهای دموکراتیک در کردستان و از هزاران تن زندانی سیاسی متعلق بهمهمه خلقهای مبارز و بیخاسته ایران صحبتی نمیکند. رژیم آدمکش جمهوری اسلامی در تمام دوران سلطه پوشالی خود، دشمن بی امان آزادی و دموکراسی بوده و در طول 28 سال گذشته زندانها و سیاه چالهای رژیم همواره مملو از مبارزین و آزادیخواهان بوده است. گنجی در اظهارات خود هیچ جا اشاره ای بقتل عام وحشیانه 18 هزار زندانی سیاسی تابستان 67، نمیکند. او در رابطه با کشتار دهها هزار از انسانهای شریف و آزاده در طول 28 سال گذشته توسط آدمکشان جمهوری اسلامی، مهر سکوت بر لب نهاده است. گنجی حق دارد چنین فراموشکار باشد چون او خود، در شمار مجرمین علیه زندانیان سیاسی و انسانهای آرمان طلبی است که بجرم آزادیخواهی و دفاع از حقوق ستمدیدگان بچنگال دژخیمان رژیم افتاده بودند.

تضاد گنجی ها با رژیم جمهوری اسلامی چیزی جز تضاد بخشی از این رژیم علیه بخشهای دیگر نیست. دموکراسی گنجی ها چیزی جز عوامفریبی و تحکیم و تزیین پایه های اسارت توده های محروم و زحمتکش نمیباشد. تلاش گنجی ها تلاش در جهت حفظ و بقای سلطه سرمایه و استثمار است. تنها انقلاب توده ای میتواند کارگران و زحمتکشان ایران را از چنگ ظلم و استثمار نجات داده و مبشر آزادی و دموکراسی واقعی، باشد. دموکراسی گنجی ها دموکراسی دم بریده ای است که دقیقا در مقابله با استقرار دموکراسی انقلابی در ایران، علم شده است. ایران کنونی، زندان تاریکی برای کارگران، زحمتکشان، زنان، خلقهای تحت ستم ملی و تمام انسانهای آزاد اندیش و شرافتمند میباشد. ویرانی این زندان مخوف، در گرو نابودی قهرآمیز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با تمام جناحها و دارودسته هایش بدست توده های محروم و زحمتکش میباشد. راه ویرانی کاخهای ظلم و استبداد، راه پایان دادن بستمدیدگی کارگران و زحمتکشان، راه تحولات فرهنگی کدایی، حرکتیهای قلابی مدنی، انقلابیهای مخملی، یاری طلبیدن از قدرتهای سلطه گر امپریالیستی، فریادهای دروغین سردادن در مدح و ثنای دموکراسی، در یک جمله، راه گنجی ها نیست. این راه، مقصدی جز تحکیم اسارت و بردگی زحمتکشان و بقا و دوام عمر استبداد و استثمار بدنبال ندارد. هدف نیروهای انقلابی، پاره کردن زنجیرهای اسارت و رهایی کارگران و زحمتکشان و زنان و خلقهای تحت ستم ملی و..... از چنگال ظلم و ستمدیدگی میباشد.